



سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در وضعیت بیناگفتمانی^۱: واکاوی شکاف میان نظریه و عمل و الزامات صورت‌بندی گفتمان فراگیر^۲ در نظم جهانی در حال گذار

*The Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran in an Inter-discursive Situation:
An Analysis of the Gap Between Theory and Practice and the Imperatives for
Formulating an Inclusive Discourse within the Global Order Undergoing
Transition*

دکتر غلامرضا کریمی ، ساجده السادات جعفری

نویسنده مسئول : دکتر غلامرضا کریمی دانشیار گروه آموزشی روابط بین الملل – گروه آموزشی روابط بین الملل

دانشکده حقوق و علوم سیاسی ، رایانامه : ghkarimi@khu.ac.ir

دانشجوی دوره دکتری روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی ، تهران ، ایران.

Sajedehsadatjafarii@gmail.com

چکیده

تحولات ساختاری در نظام بین‌الملل و حرکت آن به سوی نظم پیچیده و در حال گذار، ضرورت بازاندیشی در نسبت میان هویت، معنا، راهبرد و عمل سیاست خارجی را افزایش داده است. در این میان، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با مسئله مهمی مواجه است: چگونه می‌توان میان استمرار عناصر هویتی و ارزشی از یک سو و الزامات محیط متحول بین‌المللی از سوی دیگر، پیوندی منسجم ایجاد کرد؟ پژوهش حاضر با تمرکز بر مفهوم «وضعیت بیناگفتمانی» و با مطالعه موردی دولت سیزدهم، تلاش می‌کند این مسئله را در سطحی تجربی بررسی کند. برای این منظور، دو سخنرانی رسمی رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران در هفتادوششمین و هفتادوهفتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ به‌عنوان داده‌های اصلی پژوهش انتخاب شده‌اند. رویکرد پژوهش کیفی و تفسیری و روش آن تحلیل گفتمان است. چارچوب نظری بر نظریه گفتمان لاکلاو و موفه و رهیافت سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل استوار است. تحلیل در سه سطح «هویت و معنا»، «مفصل‌بندی و راهبرد» و «عمل و اجرا» صورت می‌گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهد که در گفتمان رسمی دولت سیزدهم، عناصری همچون استقلال، عدالت، حق تعیین سرنوشت، مقاومت در برابر سلطه، همکاری منطقه‌ای و چندجانبه‌گرایی در یک نظام معنایی مشخص سازمان یافته‌اند. در حوزه منطقه‌ای، همسایگی و همکاری درون منطقه‌ای در پیوند با امنیت و استقلال از مداخله خارجی معنا می‌یابد؛ در حالی که در حوزه هسته‌ای، مفاهیمی همچون حق، مذاکره، تعهد متقابل و رفع تحریم‌ها در زنجیره معنایی متفاوتی قرار می‌گیرند. بر این اساس، وضعیت بیناگفتمانی در این پژوهش نه به معنای فقدان عناصر هویتی یا فقدان گفتمان، بلکه به معنای دشواری در تثبیت رابطه‌ای منسجم میان هویت، مفصل‌بندی و راهبردی و عمل سیاست خارجی تعریف می‌شود.

^۱ Inter-discursive Condition
^۲ Inclusive (Hegemonic) Discourse

نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که مسئله اصلی، حذف عناصر هویتی نیست، بلکه سازمان‌دهی و مفصل‌بندی آنها به‌گونه‌ای است که بتوانند به راهبردهای روشن و اقدامات اجرایی تبدیل شوند.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ دولت سیزدهم؛ وضعیت بیناگفتمانی؛ تحلیل گفتمان؛ سازه‌انگاری؛ مفصل‌بندی؛ سیاست همسایگی؛ پرونده هسته‌ای؛ نظم جهانی در حال گذار.

۱. مقدمه

مطالعه سیاست خارجی در روابط بین‌الملل معاصر با تحول مهمی در شیوه فهم رفتار دولت‌ها مواجه شده است. در حالی که رویکردهای سنتی عمدتاً بر قدرت مادی، توان نظامی، منابع اقتصادی و جایگاه دولت‌ها در ساختار توزیع قدرت تمرکز می‌کردند، رویکردهای تفسیری و سازه‌انگارانه نشان داده‌اند که هویت، هنجارها، ارزش‌ها و نظام‌های معنایی نیز در شکل‌دهی به سیاست خارجی نقش مهمی دارند. از این منظر، رفتار خارجی دولت‌ها تنها محصول محاسبه مادی منافع نیست، بلکه به نحوه تعریف «خود»، «دیگری» و محیط بین‌المللی نیز وابسته است (Wendt, 1992, 1999).

رهیافت سازه‌انگارانه، منافع ملی را امری ثابت و از پیش تعیین‌شده تلقی نمی‌کند، بلکه آن را محصول فرایندهای اجتماعی و تعاملی می‌داند. بر این اساس، دولت‌ها بر مبنای برداشتهایی که از هویت خود و محیط پیرامونی دارند، تهدیدها، فرصت‌ها و اهداف سیاست خارجی خود را تعریف می‌کنند (Wendt, 1992). در نتیجه، برای فهم سیاست خارجی یک دولت باید به نظام معنایی‌ای توجه کرد که درون آن منافع و اولویت‌های خارجی تعریف می‌شوند.

در کنار سازه‌انگاری، نظریه گفتمان لاکلاو و موفه امکان تحلیل دقیق‌تر نحوه سازمان‌یابی این معانی را فراهم می‌کند. در این نظریه، گفتمان مجموعه‌ای از عناصر منفرد نیست، بلکه نظامی از روابط معنایی است که از طریق فرایند «مفصل‌بندی» شکل می‌گیرد. عناصر مختلف زمانی معنای سیاسی مشخص پیدا می‌کنند که در یک نظام گفتمانی در ارتباط با یکدیگر قرار گیرند (Laclau & Mouffe, 2001). بنابراین، در تحلیل سیاست خارجی، صرف شناسایی مفاهیمی مانند استقلال، عدالت، امنیت یا همکاری کافی نیست؛ بلکه باید بررسی کرد این مفاهیم چگونه در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و چه نوع راهبردی را مشروعیت می‌بخشند.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نمونه قابل توجهی برای بررسی این مسئله است؛ زیرا از یک سو، عناصر هویتی و ارزشی در تعریف سیاست خارجی آن جایگاه مهمی دارند و از سوی دیگر، محیط منطقه‌ای و بین‌المللی ایران در معرض تغییرات مستمر قرار دارد. نظم جهانی در حال گذار، تغییر در توزیع قدرت، افزایش نقش قدرت‌های نوظهور، تحول در قواعد تعامل بین‌المللی و پیچیدگی‌تر شدن مناسبات میان دولت‌ها را به همراه داشته است (Acharya, 2014; Buzan & Lawson, 2015). در چنین شرایطی، مسئله اساسی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران صرفاً حفظ عناصر هویتی نیست، بلکه نحوه تبدیل این عناصر به یک چارچوب راهبردی منسجم است.

از این‌رو، پژوهش حاضر برای افزایش قابلیت تجربی تحلیل، دولت سیزدهم را به‌عنوان مطالعه موردی انتخاب کرده است. این دولت از آن جهت اهمیت دارد که در سیاست خارجی خود بر چند محور همزمان تأکید داشت؛ از جمله سیاست همسایگی، تقویت روابط منطقه‌ای، مقابله با تحریم‌ها، پیگیری پرونده هسته‌ای و تأکید بر چندجانبه‌گرایی.

برای محدود کردن دامنه پژوهش و جلوگیری از کلی‌گویی، دو متن رسمی انتخاب شده‌اند: سخنرانی رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران در هفتادوششمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۱ و سخنرانی وی در هفتادوهفتمین نشست مجمع عمومی در ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲. سند نخست با شناسه A/76/PV.3 و سند دوم با شناسه A/77/PV.6 در اسناد رسمی سازمان ملل ثبت شده‌اند.

اهمیت این دو متن از آن جهت است که در سطحی رسمی و بین‌المللی، نحوه بازنمایی هویت ایران، نظم جهانی، عدالت، استقلال، سلطه، منطقه، مذاکره و پرونده هسته‌ای را نشان می‌دهند. در سخنرانی سال ۲۰۲۱، ایران با مفاهیمی همچون فرهنگ، تمدن، استقلال، حق تعیین سرنوشت، آزادی و عدالت بازنمایی شده و نقد هژمونی آمریکا نیز بخش مهمی از ساخت «دیگری» در متن را تشکیل می‌دهد.

بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش چنین صورت‌بندی می‌شود:

عناصر هویتی و معنایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت سیزدهم چگونه در گفتمان رسمی این دولت مفصل‌بندی شده‌اند و این مفصل‌بندی چه نسبتی با راهبرد و عمل سیاست خارجی در حوزه‌های منطقه‌ای و هسته‌ای دارد؟

در راستای پاسخ به این سؤال، مقاله ابتدا چارچوب نظری و روش‌شناختی خود را مشخص می‌کند، سپس دو سخنرانی رسمی را در سه سطح هویت و معنا، مفصل‌بندی و راهبرد، و عمل و اجرا تحلیل می‌کند و در نهایت نشان می‌دهد که وضعیت بیناگفتامانی چگونه می‌تواند در فاصله میان این سه سطح مشاهده شود.

۲. پیشینه پژوهش

ادبیات مرتبط با موضوع پژوهش را می‌توان در سه دسته اصلی قرار داد.

دسته نخست، مطالعات مربوط به مبانی هویتی و ارزشی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. در این دسته از پژوهش‌ها، سیاست خارجی ایران در پیوند با مؤلفه‌های هویتی، تاریخی و ارزشی آن بررسی شده است. دهقانی فیروزآبادی بر اهمیت مبانی نظری و معنایی در فهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تأکید دارد و افتخاری نیز بر نقش مؤلفه‌های هویتی در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی تمرکز می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۰؛ افتخاری، ۱۳۹۲).

دسته دوم، ادبیات سازه‌انگارانه و گفتمانی روابط بین‌الملل است. ونت نشان می‌دهد که هویت و منافع دولت‌ها در تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرند و ساختار نظام بین‌الملل تنها از طریق توزیع قدرت قابل توضیح نیست (Wendt, 1999, 1992). هانسن نیز با تمرکز بر تحلیل گفتمان، رابطه میان هویت، بازنمایی و سیاست خارجی را مورد بررسی قرار می‌دهد (Hansen, 2006). میلیکن نیز بر اهمیت گفتمان در تولید معنا و مشروعیت‌بخشی به سیاست‌ها تأکید دارد (Milliken, 1999).

دسته سوم، پژوهش‌های مربوط به تحول نظم جهانی است. آچاریه تحول نظم جهانی را در چارچوب تغییر در توزیع قدرت و تحول هنجارهای بین‌المللی بررسی می‌کند (Acharya, 2014). بوزان و لاوسون نیز بر تحول تاریخی ساختار نظام بین‌الملل و پیامدهای آن برای روابط بین‌الملل معاصر تأکید دارند (Buzan & Lawson, 2015).

با وجود ارزش علمی این مطالعات، خلأ پژوهشی مشخصی وجود دارد. بخش قابل توجهی از مطالعات مربوط به سیاست خارجی ایران یا بر مبانی هویتی تمرکز کرده‌اند یا تغییرات گفتمانی دوره‌های مختلف را بررسی کرده‌اند؛ اما کمتر پژوهشی به‌صورت مشخص نشان داده است که در یک مقطع زمانی محدود، عناصر هویتی چگونه در متون رسمی سیاست خارجی مفصل‌بندی شده و این مفصل‌بندی چگونه به راهبرد و عمل پیوند می‌خورد.

از این‌رو، نوآوری پژوهش حاضر در سه سطح تعریف می‌شود: نخست، محدود کردن مطالعه به دولت سیزدهم؛ دوم، انتخاب دو متن رسمی و مشخص به‌عنوان داده تجربی؛ و سوم، پیوند دادن تحلیل گفتمانی با سه سطح

هویت، راهبرد و عمل.

۳. چارچوب نظری پژوهش

۳-۱. نظریه گفتمان لاکلاو و موفه

نظریه گفتمان لاکلاو و موفه یکی از چارچوب‌های مهم برای تحلیل تولید و تثبیت معنا در عرصه سیاسی است. بر اساس این نظریه، گفتمان مجموعه‌ای از عناصر معنایی است که از طریق مفصل‌بندی در رابطه با یکدیگر قرار می‌گیرند و یک نظم معنایی موقت ایجاد می‌کنند (Laclau & Mouffe, 2001). در این چارچوب، معنا ثابت و از

پیش تعیین شده نیست. یک مفهوم می‌تواند در گفتمان‌های مختلف معنای متفاوتی پیدا کند. بنابراین، در مطالعه سیاست خارجی نمی‌توان صرفاً به واژه‌هایی مانند «عدالت»، «امنیت»، «مذاکره» یا «استقلال» توجه کرد؛ بلکه باید رابطه آنها با سایر عناصر گفتمان را بررسی کرد. مفصل‌بندی در اینجا فرایندی است که از طریق آن عناصر مختلف در یک زنجیره معنایی قرار می‌گیرند. برای مثال، اگر «استقلال»، «حق تعیین سرنوشت» و «عدالت» در یک زنجیره معنایی قرار گیرند، معنای هر یک از آنها از رابطه‌شان با دو عنصر دیگر نیز تأثیر می‌پذیرد.

۳-۲. سازه‌انگاری و هویت

سازه‌انگاری به عنوان چارچوب نظری مکمل، بر نقش هویت، هنجارها و تعاملات اجتماعی در شکل‌دهی به منافع و رفتار دولت‌ها تأکید می‌کند. از این منظر، منافع ملی نه صرفاً نتیجه محاسبه مادی، بلکه محصول برداشت‌های هویتی و اجتماعی هستند (Wendt, 1992, 1999). در پژوهش حاضر، سازه‌انگاری برای پاسخ به این پرسش به کار گرفته می‌شود که «هویت ایران» چگونه در گفتمان رسمی سیاست خارجی تعریف می‌شود، در حالی که نظریه گفتمان برای بررسی این مسئله به کار می‌رود که عناصر هویتی چگونه در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و چه معنای راهبردی پیدا می‌کنند. بنابراین، رابطه دو رویکرد در این پژوهش روشن است:

سازه‌انگاری = چارچوب فهم رابطه هویت و منافع

نظریه گفتمان = ابزار تحلیل مفصل‌بندی و سازمان‌یابی معنا

۴. مفهوم وضعیت بیناگفتمانی

مفهوم «وضعیت بیناگفتمانی» در این پژوهش به شریایی اشاره دارد که در آن مجموعه‌ای از عناصر هویتی و معنایی در سیاست خارجی حضور دارند، اما رابطه میان آنها هنوز به‌طور کامل در قالب یک چارچوب معنایی و راهبردی منسجم تثبیت نشده است. بنابراین، وضعیت بیناگفتمانی به معنای فقدان هویت یا فقدان گفتمان نیست. برعکس، ممکن است عناصر هویتی کاملاً قدرتمندی وجود داشته باشند، اما مسئله در سطح سازمان‌دهی آنها و تبدیلشان به یک منطق راهبردی واحد ایجاد شود. از این منظر، شکاف نظریه و عمل نیز نباید صرفاً به معنای تضاد میان آرمان و واقعیت فهم شود. این شکاف می‌تواند ناشی از فاصله میان سه سطح باشد:

۱. سطح هویت و معنا؛

۲. سطح مفصل‌بندی و راهبرد؛

۳. سطح عمل و اجرا.

اگر میان این سه سطح رابطه منسجمی برقرار نباشد، ظرفیت هویتی سیاست خارجی الزاماً به ظرفیت راهبردی و اجرایی تبدیل نمی‌شود.

۵. روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر رویکرد، کیفی و تفسیری و از نظر روش، مبتنی بر تحلیل گفتمان است. مطالعه موردی پژوهش، دولت سیزدهم جمهوری اسلامی ایران است. برای افزایش قابلیت ردیابی داده‌ها، پژوهش به دو متن رسمی محدود شده است:

۱. سخنرانی رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران در هفتادوششمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۱، سند A/76/PV.3؛

۲. سخنرانی رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران در هفتادوهفتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲، سند A/77/PV.6.

انتخاب این دو متن از این جهت صورت گرفته است که هر دو در سطح رسمی و بین‌المللی بیان شده‌اند و امکان بررسی نحوه بازنمایی هویت ایران و اهداف سیاست خارجی را فراهم می‌کنند.

۵-۱. واحد تحلیل

واحد تحلیل در پژوهش حاضر، گزاره‌ها و خوشه‌های معنایی مرتبط با مفاهیمی همچون:

* استقلال؛ * عدالت؛ * آزادی؛ * حق تعیین سرنوشت؛ * سلطه و هژمونی؛ * امنیت منطقه‌ای؛ * همکاری منطقه‌ای؛ * تحریم؛ * مذاکره؛ * پرونده هسته‌ای؛ * چندجانبه‌گرایی؛ * نظم جهانی است.

۵-۲. سطوح تحلیل

تحلیل در سه سطح انجام می‌شود:

سطح اول: هویت و معنا

در این سطح مشخص می‌شود ایران چگونه خود و دیگری را تعریف می‌کند و چه مفاهیمی به‌عنوان عناصر مرکزی گفتمان ظاهر می‌شوند.

سطح دوم: مفصل‌بندی و راهبرد

در این سطح بررسی می‌شود عناصر هویتی چگونه در کنار یکدیگر قرار گرفته و چه جهت‌گیری راهبردی‌ای از آنها حاصل می‌شود.

سطح سوم: عمل و اجرا

در این سطح بررسی می‌شود که مفصل‌بندی مورد نظر تا چه اندازه به جهت‌گیری‌های عملی سیاست خارجی، به‌ویژه در حوزه همسایگی و پرونده هسته‌ای، پیوند می‌خورد.

بنابراین، مدل سه‌سطحی پژوهش عبارت است از:

هویت و معنا ← مفصل‌بندی و راهبرد ← عمل و اجرا

این مدل، مدل تحلیلی پژوهش است و نباید با مفاهیم نظری لاکلاو و موفه مانند دال، نقطه گره‌ای و دال شناور یکسان تلقی شود.

۶. تحلیل گفتمانی سیاست خارجی دولت سیزدهم

۶-۱. هویت ایران و ساخت «خود»

نخستین سطح تحلیل، نحوه بازنمایی ایران به‌عنوان «خود» است.

در سخنرانی سال ۲۰۲۱، ایران به‌عنوان «سرزمین فرهنگ و تمدن»، «سرزمین دانش و معنویت» و «سرزمین پایداری و استقلال» معرفی می‌شود. همچنین در این متن بر حق تعیین سرنوشت و آزادی ملت ایران تأکید شده است. این نوع بازنمایی نشان می‌دهد که ایران در گفتمان رسمی دولت سیزدهم صرفاً یک واحد سیاسی در نظام بین‌الملل نیست، بلکه به‌عنوان یک موجودیت تاریخی، فرهنگی و مستقل معرفی می‌شود. از منظر نظریه گفتمان، عناصر مذکور را می‌توان در یک زنجیره معنایی قرار داد:

ایران ← فرهنگ و تمدن ← استقلال ← حق تعیین سرنوشت ← آزادی

در این زنجیره، استقلال از یک هدف صرف سیاست خارجی فراتر رفته و به یکی از عناصر سازنده هویت سیاسی ایران تبدیل می‌شود.

۶-۲. ساخت «دیگری» و صورت‌بندی سلطه

در کنار ساخت «خود»، گفتمان سیاسی نیازمند تعریف «دیگری» نیز هست. در سخنرانی سال ۲۰۲۱، هژمونی، مداخله و سیاست‌های آمریکا به عنوان عناصر منفی در برابر استقلال و حق ملت‌ها قرار می‌گیرند. در متن رسمی سخنرانی، وضعیت منطقه نیز از منظر پیامدهای سیاست‌های هژمونیک و مداخلات خارجی مورد بحث قرار می‌گیرد.

بنابراین، می‌توان دو زنجیره معنایی را از یکدیگر تفکیک کرد:

زنجیره خود:

استقلال ← حق ← عدالت ← آزادی

زنجیره دیگری:

هژمونی ← مداخله ← تحریم ← بی‌ثباتی

اهمیت این مفصل‌بندی در آن است که استقلال در رابطه با یک «دیگری هژمونیک» معنا پیدا می‌کند.

۶-۳. عدالت به عنوان نقطه گره‌ای

یکی از مهم‌ترین مفاهیم موجود در گفتمان دولت سیزدهم، «عدالت» است. در سخنرانی سال ۲۰۲۱، عدالت در کنار عقلانیت و آزادی قرار می‌گیرد و با صلح، امنیت و حقوق ملت‌ها پیوند داده می‌شود. از منظر لاکلاو و موفه، عدالت در اینجا ظرفیت تبدیل شدن به یک نقطه گره‌ای را دارد؛ زیرا مفاهیمی همچون آزادی، حقوق ملت‌ها، صلح، امنیت و مخالفت با سلطه حول آن سازمان می‌یابند. بنابراین، عدالت صرفاً یک ارزش اخلاقی نیست، بلکه در گفتمان سیاست خارجی دولت سیزدهم می‌تواند نقش یک مفهوم سازمان‌دهنده را ایفا کند.

۶-۴. سیاست منطقه‌ای و همسایگی

یکی از محورهای مهم سیاست خارجی دولت سیزدهم، توجه به منطقه و همسایگان بود. از منظر گفتمانی، همسایگی صرفاً یک واقعیت جغرافیایی نیست. این مفهوم در ارتباط با امنیت، همکاری و کاهش وابستگی به ترتیبات امنیتی خارج از منطقه معنا پیدا می‌کند.

بر این اساس، می‌توان زنجیره معنایی زیر را ترسیم کرد:

همسایگی ← همکاری منطقه‌ای ← امنیت ← کاهش مداخله خارجی

در چنین چارچوبی، منطقه نه صرفاً محیط پیرامونی ایران، بلکه بخشی از فضای هویتی و راهبردی سیاست خارجی محسوب می‌شود. در نتیجه، گفتمان همسایگی را می‌توان یکی از حوزه‌هایی دانست که در آن رابطه میان هویت، راهبرد و عمل نسبتاً روشن‌تر شده است.

۵-۶. پرونده هسته‌ای و مفصل‌بندی «مذاکره»

حوزه دوم تحلیل، پرونده هسته‌ای است. در این حوزه، «مذاکره» نمی‌تواند جدا از مفاهیمی همچون حق، تعهد، توافق، تحریم و تضمین تحلیل شود. در سخنرانی سال ۲۰۲۲، مسئله توافق هسته‌ای و بازگشت به توافق در کنار مسئله اعتماد و تعهد طرف آمریکایی مطرح می‌شود. متن رسمی سازمان ملل نیز در ادامه گزارش جلسه، به مسئله تضمین‌ها و اعتماد نسبت به تعهد آمریکا اشاره می‌کند. بنابراین، مذاکره در این گفتمان نه به معنای کنار گذاشتن استقلال یا مقاومت، بلکه در قالب یک زنجیره معنایی پیچیده‌تر تعریف می‌شود:

حق ← مذاکره ← تعهد متقابل ← توافق ← رفع تحریم

این نکته اهمیت زیادی دارد؛ زیرا نشان می‌دهد دوگانه ساده «مقاومت/مذاکره» برای توضیح سیاست خارجی دولت سیزدهم کافی نیست. مذاکره زمانی مشروعیت پیدا می‌کند که درون یک چارچوب معنایی خاص قرار گیرد؛ یعنی در صورتی که با حفظ حق، استقلال و تعهد متقابل همراه باشد.

۶-۶. عدالت و نظم جهانی در سخنرانی ۲۰۲۲

در سخنرانی سال ۲۰۲۲، «عدالت» حتی صریح‌تر در مرکز روایت سیاست خارجی قرار می‌گیرد. رئیس‌جمهور ایران در آغاز سخنرانی، عدالت را بنیاد جهان بهتر معرفی می‌کند و مبارزه با بی‌عدالتی را به‌عنوان یکی از محورهای اصلی روایت خود مطرح می‌کند. از منظر تحلیل گفتمان، این موضوع نشان می‌دهد که عدالت صرفاً یک مفهوم فرعی نیست، بلکه به نقطه‌ای برای پیوند دادن چند موضوع تبدیل می‌شود:

عدالت ← حقوق ملت‌ها ← مقابله با سلطه ← صلح ← نظم مطلوب

در اینجا، گفتمان دولت سیزدهم تلاش می‌کند نقد نظم موجود را با ارائه تصویری از نظم مطلوب پیوند دهد.

۷. مقایسه دو حوزه سیاست خارجی

مقایسه سیاست منطقه‌ای و پرونده هسته‌ای نشان می‌دهد که مفصل‌بندی گفتمانی در همه حوزه‌ها یکسان نیست. در حوزه منطقه‌ای، رابطه میان هویت، راهبرد و عمل نسبتاً مستقیم‌تر است:

هویت منطقه‌ای ← همکاری با همسایگان ← امنیت منطقه‌ای ← سیاست همسایگی

اما در حوزه هسته‌ای، رابطه پیچیده‌تر است:

حق استقلال و ← مذاکره ← توافق ← تعهد متقابل ← رفع تحریم

دلیل این تفاوت را می‌توان در ساختار متفاوت دو حوزه جست‌وجو کرد. سیاست منطقه‌ای تا حد بیشتری به روابط مستقیم و چندجانبه با کشورهای پیرامونی وابسته است، در حالی که پرونده هسته‌ای به رفتار بازیگران خارجی، ساختار تحریم‌ها و توافقات چندجانبه وابستگی بیشتری دارد. از این منظر، وضعیت بیناگفتامانی یک ویژگی مطلق و یکسان برای کل سیاست خارجی نیست؛ بلکه می‌تواند در حوزه‌های مختلف شدت و ضعف داشته باشد.

۸. بحث و برآیند تحلیلی

تحلیل دو متن رسمی نشان می‌دهد که دولت سیزدهم از مجموعه‌ای نسبتاً مشخص از عناصر هویتی و معنایی برخوردار است.

این عناصر عبارت‌اند از:

- * استقلال؛
- * عدالت؛
- * حق تعیین سرنوشت؛
- * مقاومت در برابر سلطه؛
- * همکاری منطقه‌ای؛
- * چندجانبه‌گرایی؛
- * حق هسته‌ای؛
- * مذاکره مشروط به تعهد متقابل.

بنابراین، مسئله اصلی را نمی‌توان «فقدان هویت» یا «فقدان گفتمان» دانست. مسئله در سطح دیگری قرار دارد: چگونه این عناصر در کنار یکدیگر مفصل‌بندی شوند و چگونه این مفصل‌بندی به راهبرد و عمل تبدیل شود. این دقیقاً همان نقطه‌ای است که مفهوم وضعیت بیناگفتمانی اهمیت پیدا می‌کند. در وضعیت بیناگفتمانی، عناصر معنایی حضور دارند، اما میزان انسجام آنها و توانایی تبدیل آنها به یک چارچوب واحد راهبردی در حوزه‌های مختلف یکسان نیست. بنابراین، گزاره اصلی پژوهش به‌صورت زیر صورت‌بندی می‌شود:

گزاره تحلیلی پژوهش: در دولت سیزدهم، عناصر هویتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از طریق مفصل‌بندی دال‌هایی همچون استقلال، عدالت، حق حاکمیتی، مقاومت و همکاری منطقه‌ای به جهت‌گیری‌های راهبردی پیوند خورده‌اند؛ بالاین‌حال، میزان تثبیت این پیوند و تبدیل آن به عمل در حوزه‌های مختلف سیاست خارجی یکسان نبوده است.

این گزاره، برخلاف یک فرضیه پوزیتیویستی، رابطه علت و معلولی میان متغیرهای مستقل و وابسته را مفروض نمی‌گیرد. بلکه یک ادعای تحلیلی تفسیری است که می‌توان آن را در داده‌های گفتمانی مشخص ردیابی کرد.

از این رو، پژوهش حاضر به‌جای آزمون آماری یک فرضیه، به دنبال نشان دادن نحوه سازمان‌یابی معنا و تفاوت میزان انسجام آن در دو حوزه تجربی است. در رویکردهای جدید روابط بین‌الملل، گفتمان به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی برای فهم فرآیند تولید معنا و شکل‌گیری کنش سیاسی مطرح شده است. برخلاف رویکردهای سنتی که سیاست را عمدتاً بر اساس منافع مادی و محاسبات قدرت تحلیل می‌کنند، رویکرد گفتمانی بر این باور است که واقعیت سیاسی از طریق نظام‌های معنایی ساخته و تفسیر می‌شود.

نظریه گفتمان لاکلاو و موفه یکی از مهم‌ترین چارچوب‌های نظری در این زمینه است. بر اساس این نظریه، گفتمان مجموعه‌ای از عناصر معنایی است که از طریق فرآیند «مفصل‌بندی» در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند و یک نظم معنایی مشخص ایجاد می‌کنند (Laclau & Mouffe, 2001).

در این چارچوب، مفاهیم سیاسی دارای معنای ثابت و از پیش تعیین‌شده نیستند، بلکه معنا در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی تولید و تثبیت می‌شود. بنابراین، گفتمان‌ها با سازمان‌دهی عناصر مختلف، امکان تعریف هویت، منافع و اهداف سیاسی را فراهم می‌سازند. در حوزه سیاست خارجی، این رویکرد نشان می‌دهد که دولت‌ها نه‌تنها بر اساس شرایط مادی، بلکه بر اساس روایت‌هایی که درباره خود، دیگران و محیط بین‌المللی ایجاد می‌کنند، رفتار می‌کنند. از این منظر، سیاست خارجی عرصه‌ای برای تولید و بازتولید معناست.

۹. مدل تحلیلی پژوهش

مدل تحلیلی پژوهش در سه سطح تعریف می‌شود:

سطح اول: هویت و معنا

در این سطح، مبانی هویتی، ارزش‌ها، برداشت از جایگاه ایران و نحوه تعریف «خود» و «دیگری» قرار می‌گیرد.

سطح دوم: مفصل‌بندی و راهبرد

در این سطح، عناصر هویتی از طریق مفصل‌بندی گفتگویی به اهداف و جهت‌گیری‌های راهبردی تبدیل می‌شوند.

سطح سوم: عمل و اجرا

در این سطح، راهبرد به تصمیم‌ها، ابزارها و اقدامات سیاست خارجی تبدیل می‌شود.

بنابراین:

هویت و معنا → مفصل‌بندی و راهبرد → عمل و اجرا

وضعیت مطلوب زمانی ایجاد می‌شود که میان این سه سطح انسجام برقرار باشد. در مقابل، وضعیت بیناگفتگویی زمانی شکل می‌گیرد که عناصر هویتی وجود داشته باشند، اما پیوند میان هویت، مفصل‌بندی راهبردی و عمل کامل و پایدار نباشد. نکته مهم آن است که این مدل، مدل تحلیلی پژوهش است و با چارچوب نظری لاکلاو و موفه یکی نیست. مفاهیمی مانند دال، نقطه گره‌ای، دال شناور و مفصل‌بندی، ابزارهای نظری تحلیل هستند؛ در حالی که سه‌گانه «هویت و معنا، مفصل‌بندی و راهبرد، عمل و اجرا» نحوه سازمان‌دهی فرایند تحلیل در این پژوهش است.

۱۰. دلالت‌های راهبردی

یافته‌های پژوهش چند دلالت راهبردی مهم دارد.

نخست، حفظ انسجام هویتی همچنان برای سیاست خارجی ایران اهمیت دارد. مسئله اصلی حذف یا کنار گذاشتن عناصر هویتی نیست.

دوم، انسجام هویتی به‌تنهایی کافی نیست. این عناصر باید در یک چارچوب گفتمانی سازمان یابند تا بتوانند جهت‌گیری راهبردی ایجاد کنند.

سوم، راهبرد باید امکان تبدیل اصول کلی به اهداف و ابزارهای مشخص را فراهم کند.

چهارم، محیط بین‌المللی در حال گذار نیازمند انعطاف راهبردی است. حفظ اصول هویتی الزاماً به معنای ثابت ماندن تمام ابزارهای سیاست خارجی نیست.

پنجم، میان هویت و منافع ملی باید پیوندی روشن ایجاد شود. در چارچوب سازه‌انگاران، منافع ملی مستقل از هویت و معنا نیستند، اما این امر به معنای بی‌نیازی از ترجمه هویت به راهبرد نیست. از این منظر، «گفتمان فراگیر» پیشنهادی پژوهش به معنای ایجاد یک گفتمان کاملاً جدید نیست؛ بلکه به معنای بازآرایی و مفصل‌بندی عناصر موجود در چارچوبی منسجم‌تر و متناسب با محیط متحول بین‌المللی است.

نتیجه نهایی جمع‌بندی

پژوهش حاضر با تمرکز بر دولت سیزدهم جمهوری اسلامی ایران تلاش کرد مفهوم وضعیت بیناگفتمانی را از سطح بحث نظری به سطح تحلیل تجربی منتقل کند. برای این منظور، دو سخنرانی رسمی رئیس‌جمهور جمهوری اسلامی ایران در هفتادوششمین و هفتادوهفتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد به‌عنوان داده‌های اصلی انتخاب شدند. این اسناد رسمی در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ منتشر شده‌اند و امکان بررسی نحوه بازنمایی هویت، عدالت، استقلال، نظم جهانی، منطقه و پرونده هسته‌ای را فراهم می‌کنند. تحلیل نشان داد که گفتمان رسمی دولت سیزدهم از عناصر هویتی و معنایی مشخصی برخوردار است. استقلال، عدالت، حق تعیین سرنوشت، مقاومت در برابر سلطه، همکاری منطقه‌ای و چندجانبه‌گرایی از جمله مهم‌ترین این عناصر هستند. در سطح ساخت «خود»، ایران به‌عنوان کشوری تاریخی، فرهنگی و مستقل بازنمایی می‌شود.

در سطح ساخت «دیگری»، سلطه، مداخله و سیاست‌های هژمونیک در برابر استقلال و حقوق ملت‌ها قرار می‌گیرند. عدالت نیز در این گفتمان ظرفیت تبدیل شدن به نقطه گره‌ای را دارد و مفاهیمی همچون صلح، آزادی، حقوق ملت‌ها و نظم مطلوب را به یکدیگر پیوند می‌دهد. در حوزه منطقه‌ای، سیاست همسایگی در پیوند با همکاری و امنیت منطقه‌ای قرار گرفته است. در حوزه هسته‌ای نیز مذاکره در چارچوبی از حق، تعهد متقابل، توافق و رفع تحریم‌ها معنا

پیدا می‌کند. بنابراین، نمی‌توان سیاست خارجی دولت سیزدهم را صرفاً با دوگانه‌های ساده‌ای مانند «مقاومت/تعامل» یا «ایدئولوژی/واقع‌گرایی» توضیح داد. تحلیل گفتمانی نشان می‌دهد که عناصر مختلف در روابط پیچیده‌تر با یکدیگر قرار دارند.

یافته اصلی پژوهش آن است که وضعیت بیناگفتمانی به معنای فقدان عناصر هویتی نیست. مسئله اصلی، نحوه سازمان‌دهی و مفصل‌بندی این عناصر و میزان تبدیل آنها به راهبرد و عمل است. به عبارت دیگر، چالش اصلی سیاست خارجی ایران را باید در فاصله میان سه سطح بررسی کرد:

هویت و معنا → مفصل‌بندی و راهبرد → عمل و اجرا

هر اندازه این سه سطح هماهنگی بیشتری داشته باشند، امکان تبدیل ظرفیت هویتی به ظرفیت راهبردی افزایش می‌یابد. از این منظر، گفتمان فراگیر پیشنهادی پژوهش نه به معنای کنار گذاشتن عناصر موجود سیاست خارجی، بلکه به معنای ایجاد ارتباط منسجم‌تر میان آنهاست؛ ارتباطی که بتواند ضمن حفظ انسجام هویتی، انعطاف راهبردی و قابلیت اجرایی سیاست خارجی را نیز افزایش دهد. در نهایت، پژوهش نشان می‌دهد که در شرایط نظم جهانی در حال گذار، سیاست خارجی موفق نیازمند نوعی توازن میان استمرار هویتی و تحول راهبردی است. حفظ هویت بدون توانایی انطباق راهبردی می‌تواند ظرفیت‌های موجود را محدود کند و انعطاف راهبردی بدون پشتوانه هویتی نیز می‌تواند به پراکندگی معنایی منجر شود. بنابراین، مسئله اساسی، ایجاد مفصل‌بندی‌ای است که بتواند این دو را در یک چارچوب منسجم به یکدیگر پیوند دهد.

فهرست منابع

منابع انگلیسی (APA 7th Edition)

Acharya, A. (2014). *The End of American World Order*. Polity Press.

Buzan, B., & Lawson, G. (2015). *The Global Transformation: History, Modernity and the Making of International Relations*. Cambridge University Press.

Hansen, L. (2006). *Security as Practice: Discourse Analysis and the Bosnian War*. Routledge

Laclau, E., & Mouffe, C. (2001). *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic Politics* (2nd ed.). Verso

Milliken, J. (1999). The study of discourse in international relations: A critique of research and methods. *European Journal of International Relations*, 5(2), 225–254

Wendt, A. (1992). Anarchy is what states make of it: The social construction of power politics. *International Organization*, 46(2), 391–425

Wendt, A. (1999). *Social Theory of International Politics*. Cambridge University Press

United Nations General Assembly. (2021). General Assembly official records, 76th session: 3rd plenary meeting, Tuesday, 21 September 2021, New York (A/76/PV.3). United Nations

United Nations General Assembly. (2022). General Assembly official records, 77th session: 6th plenary meeting, Wednesday, 21 September 2022, New York (A/77/PV.6). United Nations

منابع فارسی (APA 7th Edition)

افتخاری، اصغر. (۱۳۹۲). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: مبانی و جهت‌گیری‌ها. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۹۰). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: مفاهیم و نظریه‌ها. تهران: انتشارات سمت.

